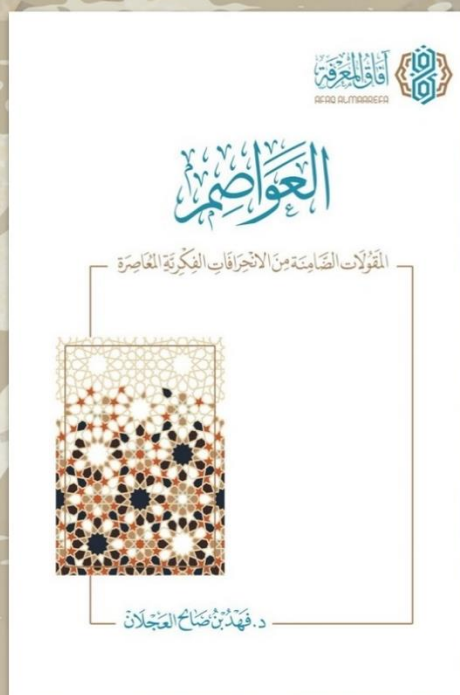


سخنان محافظ

مقدمه - درآمدی بر فقه ایمان و پایداری

دکتر فهد العجلان | ترجمه: عبدالله شیخ آبادی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سخنان محافظ | درآمدی بر فقه ایمان و پایداری

از مهمترین معانی که باید پیش از آغاز این کتاب به تقریر آن پرداخت، تاکید بر یک اصل شرعی مهم در شناخت حقیقت ایمان و پایداری بر آن است که می‌توان گفت قلهٔ امر و ستون آن است، به طوری که اگر کسی که دربارهٔ قضایای فکری معاصر سخن می‌گوید این مهم را در نظر نداشته باشد همه چیز را از دست داده است.

این حقیقت مهم این است که: شناخت سخنان درست و پاسخ به سخنان باطل به تنهایی برای صیانت خود از وقوع در انحرافات کافی نیست. بنیان مصون ماندن از انحراف، ایمان به الله و سپس پایداری بر این ایمان است، اما

سخنان محافظ | درآمدی بر فقه ایمان و پایداری |

این امری است که با معرفت محض حاصل نمی‌شود. آنطور نیست که هرکس به معرفت دست یابد ایمان را نیز به دست آورده و بر آن ثابت قدم بماند و اگر کسی با آنچه نمی‌داند روبرو شود ایمان را ترک گفته یا در آن کوتاهی کرده باشد، بلکه ایمان بسیار والاتر از این است و اموری چند را در خود دارد که باید آن را در نظر گرفت:

معنای نخست: ضرورت درخواست هدایت از الله و دوری از اسباب

محرومیت

هدایت به اسلام نعمتی است از سوی الله و توفیقی از او که بنده را برای عبادتش موفق ساخته، چنانکه حق تعالی می‌فرماید:

{يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ} [نحل: ۹۳] (هرکه را بخواهد گمراه ساخته

و هرکه را بخواهد هدایت می‌کند)، و می‌فرماید: {فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ

صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي

السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ} [انعام: ۱۲۵] (پس هر

سخنان محافظ | درآمدی بر فقه ایمان و پایداری |

کس که الله بخواهد او را هدایت کند، دلش را برای [پذیرش] اسلام می‌گشاید؛ و هر کس را بخواهد در گمراهی واگذارد، دلش را بسیار تنگ (و بسته) می‌سازد (و پذیرش حق را چنان برایش محال می‌گرداند که) گویی می‌خواهد از آسمان بالا رود [ولی نمی‌تواند]. الله اینچنین عذاب را بر کسانی که ایمان نمی‌آورند، می‌گمارد، و همچنین می‌فرماید: **وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ** [بقره: ۱۰۵] (الله هر که را خواهد به رحمت خود اختصاص می‌دهد).

اقتضای حکمت او چنین بوده که همهٔ مردم بر راه هدایت نباشند و اگر می‌خواست همهٔ مردم را هدایت می‌کرد: **وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا** [سجده: ۱۳] (اگر می‌خواستیم، به هر کسی [توفیق و] هدایتش را ارزانی می‌داشتیم)، الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: **وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ** [مائده: ۴۸] (و اگر الله می‌خواست، همهٔ شما را امتی واحد قرار می‌داد؛ ولی [الله می‌خواهد] شما را در [مورد] آنچه به شما بخشیده است بیازماید).

سخنان محافظ | درآمدی بر فقه ایمان و پایداری |

الله متعال در کتابش بارها برای این هدایت بزرگ بر مؤمنان منت می‌نهد:

{وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا} [نساء: ۸۳] (و [ای

مؤمنان،] اگر فضل و رحمت الله بر شما نبود، جز اندکی، [همگی] از شیطان

پیروی می‌کردید، و می‌فرماید: **{كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ}** [نساء:

۹۴] (شما نیز قبلاً اینچنین بودید؛ سپس الله بر شما منت نهاد [و هدایت

شدید]).

برای همین کسی که الله بر او گمراهی را نوشته است، هیچ روشی با او

سودمند نیست: **{وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا}** [مائده: ۴۱] (و

[ای پیامبر] هر کس که الله گمراهی‌اش را خواسته باشد، تو هرگز در برابر الله

برایش اختیاری نداری)، همچنین می‌فرماید: **{وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ**

وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ}

[انعام: ۱۱۱] (و اگر ما فرشتگان را به سوی آنان می‌فرستادیم و [حتی] اگر مردگان

با آنان به سخن می‌آمدند و هر چیزی را دسته‌دسته در برابرشان گرد

سخنان محافظ | درآمدی بر فقه ایمان و پایداری |

می‌آوردیم [تا راستگویی پیامبر را گواهی دهند]، باز هم ایمان نمی‌آوردند مگر اینکه الله بخواهد).

بنابراین هر چه دعوتگر خیر در کار خود تلاشگر باشد این حرص و تلاش او باعث هدایت کسی نمی‌شود مگر آنکه الله بخواهد: **إِنْ تَحَرَّصَ عَلَى هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ** [نحل: ۳۷] (هر اندازه بر هدایت آنان مشتاق باشی [سودی ندارد؛ زیرا] الله کسی را که گمراه نماید، هدایت نخواهد کرد).

آنچه نظر را جلب می‌کند کثرت این آیات در قرآن است که تاکید دارند که هدایت از سوی الله است. من برای جستجوی آیاتی که این معنا را می‌رسانند قرآن را خواندم و ادله آشکار این معنا را نزدیک به صد و پنجاه آیه یافتم که در صورت تدبُّر و تأمل از این هم بیشتر است و این برای مؤمن نشانگر اهمیت این معنا و ضرورت آن است.

درک این موجب می‌شود که مسلمان برای درخواست هدایت از الله حریص باشد و از هرچه باعث محرومیت از این هدایت یا بی‌نصیب شدن از توفیق و

سخنان محافظ | درآمدی بر فقه ایمان و پایداری |

تسدید الهی شود دوری کند و همواره به درگاه الله دعا کند که او را بر این نعمت پایدار بگرداند.

معنای دوم: ایمان، اطاعت را می‌طلبد

مقتضای ایمان، اطاعت امر الله و پیامبرش ﷺ است. ایمان صرفاً باور و تایید قلبی نیست، بلکه تصدیق دل و سخن به زبان و عمل با جوارح است، و ایمان صادق نخواهد بود مگر آنکه عمل در پی داشته باشد و ناگزیر باید در پی ایمان، عمل صالح صالح باشد. از این رو در قرآن در جاهای پرشماری ایمان به همراه عمل صالح آمده است:

{وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ} [بقره: ۲۵] (و کسانی را که ایمان

آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند مژده ده)، و الله سبحانه و تعالی

می‌فرماید: {وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا

خَالِدُونَ} [بقره: ۸۲] (و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، آنان

اهل بهشتند و در آن جاودان خواهند ماند)، و این در مواضع پرتعدادی، نزدیک

سخنان محافظ | درآمدی بر فقه ایمان و پایداری |

به هفتاد و پنج بار تکرار شده، آنطور که این معنا را از معانی ضروری قرار می‌دهد که بر خواننده کتاب الله پنهان نمی‌ماند.

همچنین عمل نیک از جمله **صفات مؤمنان** ذکر شده است:

{قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ} [مؤمنون: ۱-۵] (به راستی که مؤمنان رستگار شدند * همانان که در نمازشان خاشعند * و آنان که از بیهودگی روی گردانند * و آنان که زکات می‌پردازند * و کسانی که پاکدامند).

و از جمله ویژگی‌های **متقیان** و نیکوکاران: {أَعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ * وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ} [آل عمران: ۱۳۳-۱۳۵] (برای پرهیزگاران مهیا شده است * آن کسانی که در [هنگام] توانگری و تنگدستی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرومی‌برند

سخنان محافظ | درآمدی بر فقه ایمان و پایداری |

و از مردم درمی‌گذرند؛ و الله نیکوکاران را دوست دارد * و [همان] کسانی که چون مرتکب کار زشتی شدند یا بر خود ستم کردند، الله را یاد می‌کنند و برای گناهانشان آمرزش می‌خواهند).

و از صفات **فروتنان**: **وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ * الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمَ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ** {حج: ۳۴-۳۵} (و به فروتنان بشارت بده * [همان] کسانی که چون نام الله برده شود، دل‌هایشان می‌ترسد و [کسانی که] در برابر مصیبت‌هایی که به آنان می‌رسد شکیباهستند و کسانی که نمازگزارند و از آنچه روزی‌شان کرده‌ایم انفاق می‌کنند).

و صفات **نیکوکاران** این است که: **لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولَّوْا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا**

سخنان محافظ | درآمدی بر فقه ایمان و پایداری |

عَاهِدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ {بقره: ۱۷۷} (نیکی [فقط])

این نیست که [برای نماز] روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید؛ بلکه نیکی آن است که کسی به الله و روز قیامت و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد و مال [خود] را - با وجود دوست داشتنش - به خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان و درخواست کنندگان (گدایان) و در [راه آزادی] بردگان ببخشد و نماز برپا دارد و زکات پردازد؛ و [نیز] کسانی که چون عهد می بندند به پیمانشان وفا می کنند و [کسانی که] در فقر و سختی و زیان و بیماری و به هنگام [شدت گرفتن] نبرد، [پایداری و] شکیبایی می کنند).

و ویژگی **بندگان الله** است که: **وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ**

هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا {فرقان: ۶۳} (و بندگان [پروردگار])

رحمان کسانی هستند که روی زمین به نرمی گام برمی دارند و چون جاهلان ایشان را طرف خطاب قرار دهد به ملایمت پاسخ می دهند).

سخنان محافظ | درآمدی بر فقه ایمان و پایداری |

و دربارهٔ **اهل هدایت** چنین می‌فرماید: **{وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ**

فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ}

[حجرات: ۷] (ولی الله ایمان را محبوب شما نمود و آن را در دل‌هایتان بیاراست

[تا اسلام بیاورید] و کفر و نافرمانی و سرکشی را در نظرتان ناخوشایند گرداند.

آنان [که آراسته به این اوصافند] پویندگانِ راه هدایت و کمالند).

و از آنجایی که ایمان به اعمال صالح مرتبط است، در قرآن کریم دربارهٔ تاثیر بد

گناهان و معاصی بر ایمان و کار نیک هشدار آمده است، چنانکه حق تعالی

می‌فرماید: **{إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ**

بِبَعْضٍ مَّا كَسَبُوا} [آل عمران: ۱۵۵] (افرادی از شما که در روز برخورد دو گروه

فرار کردند، در حقیقت شیطان آنان را به سبب بعضی از کردار [و گناهانی] که

مرتکب شده بودند دچار لغزش نمود).

و می‌فرماید: **{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ**

يَرُدُّوكُمْ بِعَدَإِ إِيْمَانِكُمْ كَافِرِينَ} [آل عمران: ۱۰۰] (ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر

سخنان محافظ | درآمدی بر فقه ایمان و پایداری |

از گروهی از اهل کتاب اطاعت کنید، شما را پس از ایمانتان به کفر باز می‌گردانند، و همچنین می‌فرماید: **{وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ}** [انعام: ۱۱۰] (و دلها و دیدگانشان را برمی‌گردانیم [در نتیجه به آیات ما ایمان نمی‌آورند] چنانکه نخستین بار به آن ایمان نیاوردند)، و می‌فرماید: **{فَبِمَا نَقْضِهِم مِّيثَاقَهُمْ لَعْنَاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ}** [مائدة: ۱۳] (پس به [سزای] پیمان شکستنشان لعنتشان کردیم و دلهایشان را سخت گردانیم [به طوری که] کلمات را از مواضع خود تحریف می‌کنند)، و او سبحانه و تعالی می‌فرماید: **{فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمُ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ}** [توبه: ۷۷] (پس به سزای آنکه با الله خُلف وعده کردند و به خاطر آنکه دروغ می‌گفتند [الله نیز] تا روزی که او را [در قیامت] ملاقات می‌کنند در دلهایشان داغ [و ننگ] نفاق نهاد).

سخنان محافظ | درآمدی بر فقه ایمان و پایداری |

بنابراین، ایمان صرفاً احساساتی قلبی یا معارفی نظری نیست، بلکه علم

و عمل و پاکی ظاهر و باطن است. طاعات باعث تغذیه و تقویت ایمان

مسلمان می‌شود و گناهان آن را ضعیف می‌کند.

عمل انسان است که بر ایمان یا کفر او اثر می‌گذارد، و برای همین ارتباط است

که بیان قرآنی به اثر عمل انسان بر کفر او و دوری‌اش از ایمان پرداخته است و

بیان می‌دارد که آنچه کافران در آن واقع شده‌اند به سبب ظلم و دوری و

رویگردانی آنان است، چنانکه می‌فرماید: **﴿وَكَايْنٍ مِّنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ**

وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ﴾ [یوسف: ۱۰۵] (و چه بسیار نشانه‌ها

در آسمانها و زمین است که بر آنها می‌گذرند در حالی که از آن روی

برمی‌گردانند)، و می‌فرماید: **﴿وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ﴾**

[یونس: ۱۰۱] (و [لی] نشانه‌ها و هشدارها به گروهی که ایمان نمی‌آورند سود

نمی‌بخشد)، و می‌فرماید: **﴿سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ**

الْحَقِّ﴾ [اعراف: ۱۴۶] (به زودی کسانی را که در زمین به ناحق تکبر می‌ورزند از

سخنان محافظ | درآمدی بر فقه ایمان و پایداری |

آیاتم رویگردان سازم)، و می‌فرماید: **{وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ}** [انفال: ۲۳] (و اگر الله در آنان خیری می‌یافت قطعاً شنوایشان می‌ساخت و اگر آنان را شنوا می‌کرد حتماً باز به حال اعراض روی برمی‌تافتند).

اما درباره کسانی که اعمال نیک انجام می‌دهد، می‌فرماید: **{الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ}*** **{أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ}** [بقره: ۱۵۶-۱۵۷] (همان کسانی که هرگاه مصیبتی به آنها می‌رسد می‌گویند: به راستی ما از آن الله هستیم و به سوی او بازمی‌گردیم)* اینها هستند که درودها و رحمتی از پروردگارشان برایشان است و همینان هدایت یافتگانند)، و می‌فرماید: **{وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ}** [بقره: ۱۸۶] (و هرگاه بندگان من از تو درباره من بپرسند [بگو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند اجابت می‌کنم پس [آنان] باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند، باشد که راه یابند)، و می‌فرماید:

سخنان محافظ | درآمدی بر فقه ایمان و پایداری |

{لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ} (آل عمران: ۹۲) (هرگز به [منزلت]

نیکوکاری دست نمی‌یابید مگر آنکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید).

عمل تنها محدود به اعمال ظاهری نیست، بلکه اعمال دل مانند محبت الله

و خَشْيَت و انابت و توکل و پناه آوردن صادقانه به او را شامل می‌شود. برای

همین در قرآن بارها بر انجام برخی از اعمال آشکار و پنهان برای اثبات درستی

ایمان تاکید شده است، آنطور که الله تعالی می‌فرماید: {وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن

كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ} (مائده: ۲۳) (و اگر مؤمنید بر الله توکل کنید)، و می‌فرماید: {فَلَا

تَخَافُوهُمْ وَخَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ} (آل عمران: ۱۷۵) (پس اگر مؤمنید از آنان

نترسید و از من بترسید)، و می‌فرماید: {لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ} (مجادله: ۲۲) (گروهی را نیابی که به الله و آخرت

ایمان داشته باشند [و] کسانی را که با الله و رسولش مخالفت کرده‌اند

دوست بدارند)، {وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ

أَوْلِيَاءَ} (مائده: ۸۱) (و اگر به الله و پیامبر و آنچه که به سوی او فرود آمده ایمان

می‌آوردند آنان را به دوستی نمی‌گرفتند).

معنای سوم: اهمیت تلاش و جستجوی حق

برای آنکه اسلام شخص استوار گردد و دینش حفظ شود، باید در این راه تلاش کند و در این تلاش خود صادق باشد. بدون این تلاش، انسان از جمله زیانکاران است: **{وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ}** [عصر: ۱-۳] (سوگند به عصر* که واقعا انسان در حال زیان است* مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده و همدیگر را به حق سفارش و به صبر توصیه کرده‌اند).

از این رو، توصیه پیامبران این بود که: **{فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ}** [بقره: ۱۳۲] (و از دنیا نروید مگر آنکه مسلمان باشید).

بر مسلمان همچنین واجب است که از هرگونه سببی که بر ایمان او تاثیر بد می‌گذارد دوری کند، از جمله همنشینی با کسانی که به قصد ایرادگیری در آیات الهی فرو می‌روند:

سخنان محافظ | درآمدی بر فقه ایمان و پایداری |

وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ

غَيْرِهِ {انعام: ۶۸} (و چون ببینی کسانی [به قصد تخطئه و ایرادگیری] در آیات

ما فرو می‌روند از ایشان روی برتاب تا در سخنی غیر آن وارد شوند). و

می‌فرماید: **وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا**

وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَتَعَدُّوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ {نساء: ۱۴۰}

(مسلمانا [الله این حکم را] در این کتاب [خود] بر شما نازل کرده است که چون

شنیدید [افرادی] آیات الله را انکار می‌کنند و آن را به تمسخر می‌گیرند، با آنان

ننشینید تا به سخنی دیگر بپردازند).

تلاش، از جمله اسباب پایداری بر حق است: **وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ**

سُبُلَنَا {عنکبوت: ۶۹} (و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین آنان را به

راه‌های خویش هدایت می‌کنیم)، الله تعالی می‌فرماید: **وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا**

زَادَهُمُ هُدًى {محمد: ۱۷} (و آنان که به هدایت گراییدند، آنان را هر چه بیشتر

هدایت بخشید).

سخنان محافظ | درآمدی بر فقه ایمان و پایداری |

و رویگردانی و کوتاهی در تلاش، از اسباب ترک حق است: **فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ** {صف: ۵} [آنان چون [از حق] منحرف شدند، الله دلهایشان را منحرف ساخت].

ایمان کم و زیاد می شود و قوی و ضعیف می شود، بنابراین بر مسلمان واجب است که در راه بیشتر شدن و تقویت و تغذیه ایمان خود تلاش کند و از اسباب تضعیف ایمان و تاثیرگذار بر آن دوری گزیند. کسی که تلاش کند و صادق باشد به سوی خیر توفیق می یابد و کسی که سهل انگاری کند خودش را در معرض انحراف قرار داده است.

یکی از معانی مهم در این جایگاه این است که انسان گمراه نمی شود مگر به سبب گناهان و سهل انگاری و رویگردانی خودش، زیرا الله متعال کریم و حلیم و مهربان و دادگر است و کسی را پس از هدایت دچار گمراهی نمی کند مگر به دلیل کاری که سبب بی توفیقی او شده و اگر از آن سبب دوری می کرد هرگز از هدایت به سمت گمراهی نمی رفت. از آنجایی که این سبب در شرع ذکر شده ما به آن ایمان داریم و همچنین برای آنکه کمال الله دال بر همین است. درک

سخنان محافظ | درآمدی بر فقه ایمان و پایداری |

این معنا باعث می‌شود همواره این خشیت و بیم در دل مؤمن باشد و همیشه ترس این را داشته باشد که مبادا مرتکب سببی شود که به گمراهی او بینجامد. برای مؤمن عاقل ممکن نیست که خودش را پاک بداند و بگوید: من که کاری نکرده‌ام و من از هوای نفس یا هرگونه بیماری که باعث گمراهی‌ام شود پاک هستم. بلکه واجب است که در برابر پروردگارش فروتن و خاکسار باشد و همواره خودش را مورد بازنگری قرار دهد. هر که دینش را ترک گوید یا درباره‌ی یک حق واجب کوتاهی کند، این به سبب خود اوست حتی اگر عذر آورد.

معنای چهارم: تلاش برای پاکسازی درون و دوری از هواها و امراض

نفسانی

از معانی مهم در راه پایداری یا ترک ایمان، در نظر داشتن تاثیر هواهای نفسانی و بیماری‌های دل بر گمراهی انسان است. کسی پس از اسلام گمراه نمی‌شود و دچار محرومیت از رسیدن به حق یا مرتکب ترک واجب نمی‌شود

سخنان محافظ | درآمدی بر فقه ایمان و پایداری |

مگر به سبب گناهانش و آنچه انجام داده است. این باعث می‌شود شخص به بازبینی نفس خود و محاسبه آن پردازد تا بزرگترین نعمتی که الله به او هدیه داده را از دست ندهد.

مسلمان هنگام قرائت قرآن، با ملاحظه اسبابی که موجب انحراف کفار و پذیرفتن اسلام و ترک پیروی از پیامبران شده از تاکید بسیار قرآن بر اسباب مانع از پذیرش حق تعجب می‌کند. مسئله تنها جهل و نبود علم نیست، بلکه اسبابی دیگر مانع از ایمان آنان شده که به بیماری‌ها دل و شهوت‌های نفس و دردهای پنهانی مربوط است که آنان را از رسیدن به حق باز داشته است، از جمله:

۱- **محبت مال و کالای دنیا،** چنانکه الله تعالی می‌فرماید: **وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي**

ثَمَنًا قَلِيلًا [بقره: ۴۱] (و آیات مرا به بهایی ناچیز نفروشید).

۲- **غفلت و رویگردانی،** چنانکه می‌فرماید: **وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُذِرُوا**

مُعْرِضُونَ [احقاف: ۳] (و کسانی که کافر شده‌اند از آنچه هشدار داده شده‌اند

سخنان محافظ | درآمدی بر فقه ایمان و پایداری |

رویگردانند)، **وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ** {روم: ۷} (و حال آنکه از آخرت غافلند).

۳- **حسادت**، آنطور که حق تعالی می‌فرماید: **وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ** {بقره: ۱۰۹} (بسیاری از اهل کتاب پس از آنکه حق برایشان آشکار شد از روی حسدی که در وجودشان بود آرزو می‌کردند که شما را پس از ایمانتان کافر گردانند).

۴- **تعصب برای نیاکان**؛ حق تعالی می‌فرماید: **وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ** {زخرف: ۲۳} (و بدین گونه در هیچ شهری پیش از تو هشدار دهنده‌ای نفرستادیم مگر آنکه خوشگذرانان آن گفتند: ما پدران خود را بر آیینی یافته‌ایم و ما نیز راه آنان را دنبال می‌کنیم).

۵- **آراسته شدن و زیبانمایی شهوت‌های دنیا و کارهایشان**، در نتیجه فریفته شدن به آن، آنگونه که الله متعال می‌فرماید: **زُيِّنَ لَهُمْ سُوْءُ أَعْمَالِهِمْ**

سخنان محافظ | درآمدی بر فقه ایمان و پایداری |

(زشتی اعمالشان برایشان آراسته شده است) [توبه: ۳۷]، و می‌فرماید: **زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ** (دل‌بستگی به خواستنی‌های [دنیا] برای مردم آراسته شده است) [آل عمران: ۱۴]، و می‌فرماید: **كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ** (اینگونه برای اسرافکاران آنچه انجام می‌دادند آراسته شده است)، و می‌فرماید: **زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا** [بقره: ۲۱۲] (زندگی دنیا در چشم کافران آراسته شده است).

۶- **تَكْبَرُ**؛ حق تعالی می‌فرماید: **إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَّا هُمْ بِبَالِغِيهِ** [غافر: ۵۶] (در دلهایشان [غرور و احساس بزرگی و] تکبری است که هرگز به آن نخواهند رسید)، و می‌فرماید: **سَاءَ صَرِفُ عَنِ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ** [اعراف: ۱۴۶] (به زودی کسانی را که به ناحق در زمین [برتری‌جویی و] تکبر می‌ورزند از [فهم] آیات خویش باز خواهم داشت).

۷- **سختی دل**؛ چنانکه حق تعالی می‌فرماید: **وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ** [مائده: ۱۳] (و دلهایشان را سخت گردانیدیم؛ سخنان [الله]

سخنان محافظ | درآمدی بر فقه ایمان و پایداری |

را از جایگاهش تحریف می‌کنند)، و می‌فرماید: **{وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ}** [انعام: ۴۳] (ولی دلهایشان سخت شده است).

۸- **بُخْل**؛ الله تعالی می‌فرماید: **{فَلَمَّا آتَاهُم مِّن فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ}** [توبه: ۷۶] (پس چون از فضل خویش به آنان بخشید بخل ورزیدند و به حال اعراض روی برتافتند).

۹- **خواستن غیر الله**؛ پروردگار متعال می‌فرماید: **{مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا}** [هود: ۱۵] (کسی که زندگی دنیا و زیور آن را بخواهد...).

۱۰- **پیروی از هوای نفس و خوشایند درون**؛ حق تعالی می‌فرماید: **{كَلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ}** [مائده: ۷۰] (هرگاه پیامبری چیزی آورد که هوای نفسشان نمی‌پسندید گروهی را دروغگو خواندند و گروهی را کشتند)، و می‌فرماید: **{أَفَكَلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ}** [بقره: ۸۷] (آیا چنین نیست که هرگاه پیامبری چیزی برخلاف هوای نفستان آورد در برابرش تکبر نمودید).

سخنان محافظ | درآمدی بر فقه ایمان و پایداری |

و دیگر اسباب ذکر شده در قرآن که عوامل گمراهی مردم را ذکر می‌کند. تکرار ذکر این معانی و غیر آن در قرآن جلب نظر می‌کند **چون همین اسباب مردم را از راه حق باز می‌دارد و از انگیزه‌های کفر و فسق بسیاری از مردم است و گمراهی و فسوق تنها به جنبه معرفت و علم محض محدود نیست بلکه به عمل و تسلیم بودن و اطاعت ظاهر و باطن وابسته است.** هدایت و پایداری نیازمند علم سودمند و عمل نیک و پناه بردن به الله و مراقبت نفس و محاسبه آن و دوری از این هواها و امراض است تا آنکه سبب گمراهی نشوند.

از سوی دیگر علم تنها شناخت محض نیست، بلکه آن دانشی است که به انسان سود می‌رساند و او را به سوی خیر راهنمایی می‌کند، و گرنه برخی از مردم علم درستی را یاد می‌گیرند و سودی از آن نمی‌برند. ممکن است کسی دلایل و براهین درستی اسلام را بخواهند اما تغییری در او حاصل نشود بلکه شناخت حق بر گمراهی و انحرافش بیفزاید.

سخنان محافظ | درآمدی بر فقه ایمان و پایداری |

این معانی، مؤمن را به سوی یقین و آرامش می‌برد و آن مستقر شدن این معانی در دل و گشوده شدن سینه برای پذیرش و خشنودی و تلاش در راه تعمیق این معانی و دوست داشتنش و شکر الله برای به دست آوردن آن و ترس از فقدان آن است.

این چهار معنا، آشکار کننده فقه ایمان و حقیقت پایداری بر حق است و این یادآوری مهمترین معنایی است که باید هنگام هر سخنی درباره انحرافات فکری معاصر آن را به یاد داشت، اما کسی که نسبت به این غفلت ورزد از مهمترین معنایی که در این موضوع به آن نیازمند است غفلت ورزیده، زیرا مصون سازی خود ضد شبهات از نظر علمی و پاسخ به شبهه و بیان اشکالات آن از امور سودمند است اما همه چیز نیست، بلکه این موضوع به مسئله ایمان به الله مرتبط است و به هدایت الهی و پاکی درون ارتباط دارد. **اما کسی که در این باره سهل انگاری کند، جنبه علمی به او سودی نمی‌رساند و چه بسا بر گمراهی او بیفزاید** الله تعالی در کتابش بیان کرده که قرآن کریم

سخنان محافظ | درآمدی بر فقه ایمان و پایداری |

یعنی بزرگترین و واضح‌ترین دلیل هم بر گمراهی برخی از مردم می‌افزاید، چنانکه می‌فرماید:

{وَنُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا}

[اسراء: ۸۲] (و ما آنچه را برای مؤمنان مایه شفا و رحمت از قرآن نازل می‌کنیم

و ستمگران را جز زیان نمی‌افزاید) و همچنین می‌فرماید: {وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ

مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا} [مائده: ۶۴] (و قطعاً آنچه از جانب

پروردگارت به سوی تو نازل شده بر طغیان و کفر بسیاری از ایشان خواهد

افزود)، و می‌فرماید: {وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ}

[توبه: ۱۲۵] (اما کسانی که در دلهایشان بیماری است، پلیدی بر پلیدی‌شان

افزود).

و البته این ارتباطی به دلیل قرآنی ندارد چرا که قرآن خیر است و نور، و بلکه به

تباهی دل دریافت کننده قرآن مربوط است که از خیری که دریافت کرده

سودی نمی‌برد و به دلیل تکبر و بیماری دلش بر گمراهی‌اش افزوده می‌شود.

سخنان محافظ | درآمدی بر فقه ایمان و پایداری |

از آنجایی که مسئله به شناخت محض وابسته نیست، مفهوم آزمایش و فتنه و پالایش در قرآن آمده است، چنانکه حق تعالی می‌فرماید: **{وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ}** [آل عمران: ۱۴۱] (و تا الله کسانی را که ایمان آورده‌اند خالص گرداند و کافران را نابود سازد)، و می‌فرماید: **{لِيُمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ}** [انفال: ۳۷] (تا الله ناپاک را از پاک جدا کند)، و می‌فرماید: **{لَتَبْلُوَنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ}** [آل عمران: ۱۸۶] (بی‌شک در مالها و جانهایتان آزموده خواهید شد)، و می‌فرماید: **{وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ}** [انفال: ۲۸] (و بدانید که اموال و فرزندان شما [وسیله] آزمایش [شما] هستند).

اگر قضیه محدود به معرفت محض بود، چنین آزمایش و پالایشی به نمایش گذاشته نمی‌شد، اما مسئله ایمانی است که بر علم و عمل و پاکی و اطاعت بنیان نهاده شده و این معانی همه نیازمند صبر و توصیه به ثبات و خشنودی از الله و دعا و توکل بر او و دوری از هواهای نفس است تا مؤمن در نتیجه این ابتلا، ایمان خود را از دست ندهد.

سخنان محافظ | درآمدی بر فقه ایمان و پایداری |

در نظر داشتن این مسئله مهم است که تاثیر این هواهای نفسانی غالباً پنهان است، یعنی ممکن نیست کسی در هنگام مناقشه قضایای فکری در دفاع از رای خود از محبت مال یا عشق به دنیا یا ترس از زیان دنیوی یا ملاحظه جانب نفسانی و دیگر عوامل سخن بگوید؛ بلکه این عوامل بر اندیشه انسان و نگاه او به حق و باطل و خیر و شر و مصالح و مفاسد اثر می‌گذارند و چه بسا انسان این را احساس کند یا از او پنهان بماند. بنابراین کسی که دچار ابتلا و پالایش شده ممکن نیست که بگوید من دچار ابتلا شدم و نظرم عوض شد! بلکه می‌گوید من تابع حق شدم و مصلحت را در این دیدم و در پی آنچه سودمندتر است بودم و تأمل کردم که کدام رای کامل‌تر است، و چه بسا ادعا کند که نظرش بر اساس دلایل شرع و سنت رسول الله ﷺ است اما در حقیقت در ابتلا واقع شده باشد.

مسلمان اگر این معانی را در نظر داشته باشد حقیقت ایمان و ثبات بر ایمان را خواهد فهمید و خواهد دانست که این ایمان بر شناخت نظری محض استوار نیست که با معرفت نظری جدیدی برطرف شود و با معرفتی جدید دچار تغییر

سخنان محافظ | درآمدی بر فقه ایمان و پایداری |

شود، بلکه مسئله اصلی پاکی و طهارت و تسلیم و فرمانبرداری است که علم نافع و عمل نیک را در خود دارد و این معنا از هواها و شهوات و بیماری‌های دل اثر می‌گیرد.

هوش و فهم و اشکال وارد کردن ماهرانه و قدرت جدل و الزام هنرمندانه و مهارت قانع‌سازی همیشه مانع از انحراف و موجب پایداری بردین و رساننده به حق نیست، زیرا قضیه ایمان و کفر، قضیه هوشمندی و پایین بودن سطح هوش یا بودن و نبودن برخی از مهارت‌ها نیست، بلکه مسئله رویارویی عبودیت و استکبار و اطاعت و رویگردانی و عقل و هوای نفس و تزکیه و ناپاکی است. **اینجا دیگر اگر هواها و شهوت‌های نفسانی و امراض دل به میان آید، مهارت سودی نمی‌بخشد و نبوغ و فهم راه به جایی نمی‌برد.**

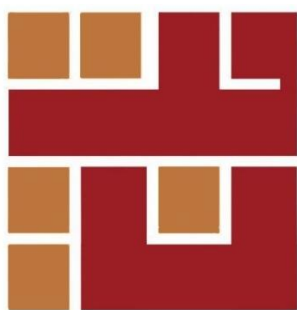
درک این مسئله ما را از این آگاه می‌سازد که این سخنان محافظ باید در بر دارنده دو نوع از محافظت باشند:

نخست: جانب علمی: که در آن یک دلیل عقلی یا نقلی ذکر شود یا شبهه‌ای رد شود یا نسبت به نوعی طرز فکر هشدار داده شود یا به مهارتی در استدلال اشاره شود.

دوم: جانب تزکیه‌ای: که به جنبه‌های عملی مربوط است، از جمله پایبندی به یک امر یا انجام یا ترک یک کار یا به یاد آوردن یک معنا یا احتیاط برای آن. پس این محافظت هم بر علم متکی است و هم بر عمل، و پایداری بر ایمان ممکن نیست مگر با هر دوی اینها. با یکجا شدن این دو، یقین در دل مؤمن حاصل می‌شود و نفس توانایی عمل می‌یابد. علم او را به یقین می‌رساند و ارادهٔ نفس را برای تلاش تقویت می‌کند و در نتیجه نیروی یقین و اراده به هم می‌رسند و دیگر هر شبههٔ ضد شرع نمی‌تواند در برابر آن دو طاقت بیاورد. رابطهٔ بین این دو به شدت از همدیگر تاثیر می‌گیرد به طوری که ضعف در یکی از آنها به ضعف دیگری می‌انجامد و شبهه‌های فکری منحرف از این ضعف سر بر می‌آورند.

سخنان محافظ | درآمدی بر فقه ایمان و پایداری |

سخنان محافظ | درآمدی بر فقه ایمان و پایداری |



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies